



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

مہدویت  
و فرقہ های انحرافی  
فرقہ شیخیہ

احمد عابدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مهدویت و فرقه‌های انحرافی (فرقه‌ی شیخیه)

نویسنده:

احمد عابدی

ناشر چاپی:

مجله انتظار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	مهدویت و فرقه‌های انحرافی (فرقه‌ی شیخیه)
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	بدن هور قلبیایی
۶	واژه شناسی
۸	دیدگاه شیخیه درباره‌ی حیات حضرت مهدی
۹	نقد و بررسی
۱۰	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## مهدویت و فرقه‌های انحرافی (فرقه‌ی شیخیه)

### مشخصات کتاب

مؤلف: احمد عابدی

برگرفته از: مجله انتظار، فصلنامه علمی - تخصصی ویژه امام مهدی (عج)

سال: اول

شماره: دوم

تاریخ: زمستان ۱۳۸۰

### مقدمه

مکتب شیخیه (کشفیه - پایین سری) در اوایل قرن ۱۳ ه.ق به وسیله‌ی احمد بن زین الدین معروف به «شیخ احمد احسائی» (۱۲۴۱ - ۱۱۶۶ ق) پدید آمد. مکتبی که نه تنها خود دستخوش تحولات زیاد گردید؛ بلکه باعث به وجود آمدن تحولات بسیار دینی و اجتماعی و حتی نظامی در کشور ایران شد و بذریعیت و بهائیت پاشیده گردید. شیخ احمد احسائی، گرچه در حوزه‌های علوم دینی حضور داشت؛ اما کمتر به درس اساتید حاضر می‌شد و مدعی بود که در فراگیری علوم، شاگرد کسی نبوده و تنها آنچه را می‌داند از راه خواب به دست آورده است. شاگردان او نیز این ادعا را درباره‌ی استاد خود تصدیق می‌کردند [۱] این نکته به رغم آن که حکایت از نوعی بلوغ و رشد فکری دارد، می‌تواند نشانگر نقطه ضعفی نیز باشد؛ زیرا برخی از علوم و معارف، چیزی نیستند که در قالب الفاظ و مفاهیم قرار گرفته و هر کسی بتواند بدون استاد آنها را به دست آورد. همان طور که در مورد فلسفه و عرفان همیشه تذکر داده‌اند که خواندن این درس‌ها، بدون استاد موجب زحمت برای خود و دیگران می‌گردد. پیروان شیخیه، چنان در حق شیخ احمد مبالغه کرده که ادعا نموده‌اند: «شیخ خدمت حضرت حجت (عج) رسیده است. [۲] این در حالی است که حتی برخی از بزرگان، به انحراف و بلکه تکفیر شیخ احمد، حکم داده‌اند.

### بدن هورقلیایی

یکی از مهم‌ترین اندیشه‌های شیخ احمد احسائی «بدن هورقلیایی» است که این بدن در شهر «جابلقا و جابرسا» قرار دارد. او به گمان خود، با این نظریه سه مسأله‌ی مهم دینی و عمیق فلسفی را تحلیل نموده است؛ یعنی، معراج جسمانی رسول خدا صلی الله علیه و آله، حیات امام زمان علیه‌السلام در طول بیش از ده قرن و معاد جسمانی را با این عقیده تفسیر کرده و هر سه را از یک باب می‌داند. او نه تنها زمین محشر را «هورقلیایی» می‌داند؛ [۳] بلکه معتقد است که امام زمان علیه‌السلام نیز با بدنی غیر عنصری و تنها هورقلیایی و در شهر «جابلقا و جابرسا» زندگی می‌کند. برای روشن شدن بحث لازم است در ابتدا این واژگان نامأنوس و مأخذ آنها را توضیح دهیم؛ سپس دیدگاه شیخیه را نقل کرده، آن گاه به نقد و بررسی آن پردازیم.

### واژه شناسی

عبدالکریم صفی پور می‌گوید: «جابلص (بفتح باء و لام یا به سکون لام) شهری است به مغرب و لیس و راء انسی، و جابلق شهری است به مشرق برادر جابلص» [۴]. اما وی اشاره‌ای به هورقلیا نموده است. در پاورقی برهان قاطع آمده است: «هورقلیا ظاهراً از

کلمه عبری « هبل » به معنای هوای گرم، تنفس و بخار و « قرنئیم » به معنای درخشش و شعاع است، و کلمه‌ی مرکب به معنای تشعشع بخار است. [۵] خلف تبریزی گوید: « جابلسا (بضم بای ابجد و سکون لام و سین بی نقطه بألف کشیده) نام شهری است در جانب مغرب. گویند هزار دروازه دارد و در هر دروازه هزار پاسبان نشسته‌اند. برخی به جای « لام »، رای قرشت آورده گویند شهری است به طرف مغرب؛ لیکن در عالم مثال، چنان که گفته‌اند: « جابلقا و جابرسا و هما مدینتان فی عالم المثل » و به اعتقاد محققان « منزل آخر سالک است در سعی و وصول قید به اطلاق و مرکز به محیط ». [۶] و سپس گوید « جابلقا » منزل اول سالک باشد. شیخ احمد احسائی معتقد است که « هورقلیایی »، لغتی سریانی و از زبان صابئین گرفته شده است [۷]. به احتمال قوی، شیخ احمد سه واژه‌ی « هورقلیایی »، « جابلقا » و « جابرسا » را از شیخ اشراق گرفته باشد [۸] البته این کلمات در بعضی از روایات نیز به کار رفته است و شیخ احمد - که گرایش اخباری‌گری داشته و برخی از اصطلاحات فلسفی را مطالعه کرده بود - به تلفیق و ترکیب آنها پرداخت. او از اندیشه‌های باطنی مذهب اسماعیلیه نیز کمک گرفت و از مجموع آنها مذهب « کشفیه » را بنا نهاد. در مذهب اسماعیلیه و حتی اندیشه‌های مسیح نیز نوعی گرایش به « جسم لطیف » یا « جسم پاک » و... وجود دارد؛ مثلاً « هانری کرین معتقد است: « ارض ملکوت هورقلیا، ارض نورانی آیین مانوی در عالم ملموس اما ورای حس است و با عضوی که خاص چنین ادراکی باشد، شناخته می‌شود. و به نوعی از مسیحیت و اندیشه‌ی مسیحیان درباره‌ی جسم لطیف داشتن عیسی متأثر است » [۹].

ظاهراً اولین کسی که اصطلاح « عالم هورقلیایی » را در جهان اسلام مطرح کرد، سهروردی است. وی در فلسفه اشراق (در بحث از « احوال سالکین ») پس از توضیح انوار قاهره و انوار معلقه، می‌گوید: « آنچه ذکر شد احکام اقلیم هشتم است که جابلق و جابرص و هورقلیای شگفت در آن قرار دارد » [۱۰]. در « مطارحات » آمده است: « جمیع سالکان از امم انبیای سابق نیز، از وجود این اصوات خبر داده و گفته‌اند که این اصوات در مقام جابرقا و جابرصا نیست؛ بلکه در مقام هورقلیا است که از بلاد افلاک عالم مثالی است ». [۱۱] در این عبارت بین دو شهر « جابلقا و جابرصا »، با عالم « هورقلیا » تفاوت گذاشته شده و مقامی بالاتر از آن دو شهر شمرده شده است. « شهر زوری » نیز همین گونه ادعا کرده است [۱۲]. مقصود از آن که « هورقلیا » را اقلیم هشتم شمرده‌اند، این است که تمام عالم جسمانی، به هفت اقلیم تقسیم می‌شود و عالمی که مقدار داشته و خارج از این عالم باشد، اقلیم هشتم است. خود آن اقلیم نیز، به هفت اقلیم قابل تقسیم است؛ اما چون آگاهی و دانش ما از آن اقلیم اندک است، آن را تنها یک اقلیم قرار داده‌اند [۱۳]. قطب الدین شیرازی، تفاوت جابلقا و جابرصا را این گونه بیان می‌کند: « جابلقا و جابرصا نام دو شهر از شهرهای عالم « عناصر مثل » است و هورقلیا از جنس « افلاک مثل » است. پس هورقلیا بالاتر است ». پس از آن می‌گوید: « این نام‌ها را رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان کرده است و هیچ کس حتی انبیا و اولیاء علیهم السلام با بدن عنصری، نمی‌توانند وارد این عالم شوند » [۱۴]. عارف بزرگ محمد لاهیجی در شرح این بیت شبستری که: بیا بنما که جابلقا کدام است جهان شهر جابلسا کدام است گفته است: « در قصص و تواریخ مذکور است که جابلقا شهری است در غایت بزرگی در مشرق، و جابلسا نیز شهری است به غایت بزرگ و عظیم در مغرب - در مقابل جابلقا - و ارباب تأویل در این باب سخنان بسیار گفته‌اند. و آنچه بر خاطر این فقیر قرار گرفته، بی‌تقلید غیری به طریق اشاره دو چیز است: یکی آن که جابلقا عالم مثالی است که در جانب مشرق ارواح واقع است که برزخ است میان غیب و شهادت، و مشتمل است بر صور عالم. پس هر آینه شهری باشد در غایت بزرگی، و جابلسا عالم مثال و عالم برزخ است که ارواح بعد از مفارقت « نشأه دنیویه » در آن جا باشند و صور جمیع اعمال و اخلاق و افعال حسنه و سیئه که در نشأه دنیا کسب کرده‌اند - چنانچه در احادیث و آیات وارد است - در آن جا باشند. و این برزخ در جانب مغرب اجسام واقع است و هر آینه شهری است در غایت بزرگی و در مقابل جابلقا است. خلق شهر جابلقا الطف و اصفایند؛ زیرا که خلق شهر جابلسا به حسب اعمال و اخلاق ردیه - که در نشأه دنیویه کسب کرده‌اند، بیشتر آن است که به مصور به صور مظلمه باشند. و اکثر خلائق را تصور آن است که این هر دو برزخ یکی است. فاما باید دانست که برزخی که بعد از مفارقت نشأه دنیا، ارواح در آن خواهند بود، غیر از برزخی

است که میان ارواح مجرد و اجسام واقع است؛ زیرا که مراتب تنزلات وجود و معارج او «دوری» است؛ چون اتصال نقطه‌ی اخیر به نقطه‌ی اول، جز در حرکت دوری متصور نیست. و آن برزخی که قبل از نشأه‌ی دنیوی است، از مراتب تنزلات او است و او را نسبت با نشأه‌ی دنیا اولیت است و آن برزخی که بعد از نشأه‌ی دنیویه است، از مراتب معارج است و او را نسبت با نشأه‌ی دنیوی آخریت است... و معنای دوم آن که شهر جابلقا مرتبه الهیه - که مجمع البحرین وجوب و امکان است - باشد که صور اعیان جمیع اشیاء از مراتب کلیه و جزویه و لطایف و کتایف و اعمال و افعال و حرکات و سکنتات در او است و محیط است «بما کان و ما یکون»، و در مشرق است؛ زیرا که در پللی مرتبه‌ی ذات است و فاصله‌ی بینهما نیست، و شمس و اقمار و نجوم اسما و صفات و اعیان از مشرق ذات طلوع نموده و تابان گشته‌اند و شهر جابلسا نشأه‌ی انسانی است که مجلای جمیع حقایق اسمای الهیه و حقایق کونیه است. هر چه از مشرق ذات طلوع کرده در مغرب تعین انسانی غروب نموده و در صورت او مخفی گشته است [۱۵]. با توجه به آنچه گذشت، روشن می‌شود که مراد از عالم «هورقلیایی»، همان عالم مثال است و چون «عالم مثال» بر دو قسم اول و آخر است، گفته‌اند: این عالم دارای دو شهر جابلقا و جابرسا است. عالم مثال یا خیال منفصل یا برزخ بین عالم عقول و عالم ماده، چیزی است که عارفان و فیلسوفان اشراق به آن معتقداند و فلاسفه‌ی مشاء آن را نپذیرفته‌اند. اشراقیان، عالم عقول مجرد را «انوار قاهره» گویند، و عالم مثال را «انوار مدبره» می‌نامند، و عالم اجسام و مادیات را «برزخ»، «ظلمت» یا «میت» می‌نامند. عالم مثال دارای دو مرحله است: اول مثال در قوس نزول که بین غیب مطلق و شهادت مطلق قرار دارد. این عالم را برزخ قبل از دنیا می‌نامند و به وسیله قاعده‌ی امکان اشرف، اثبات می‌گردد. این مثال را «جابلقا» گویند. دوم مثال در قوس صعود است که بین دنیا و آخرت قرار دارد و «کما بدأکم تعودون» و پس از افول و غروب نفس ناطقه از این بدن ظلمانی، نفس وارد عالم برزخ شده و از آن جا به قیامت کبری می‌رود. این مثال را «جابرسا» گویند [۱۶]. در برزخ اول، صورت‌هایی که وجود دارند، با قلم اول تعیین شده و مصداق «السعید سعید فی بطن امه» می‌باشند. این صور تقدیرات و مقدراتی است که «قلم این جا برسد سر بشکست». و در برزخ دوم صورت‌هایی که وجود دارند، صور اعمال و نتایج اخلاق و افعال انسانی است. صورت‌هایی که در برزخ اول وجود دارند، از غیب به شهادت می‌رسند و صورت‌هایی که در برزخ دوم هستند، از شهادت به غیب و از دنیا به آخرت رفته و تنها در قیامت کبری ظهور و بروز می‌یابند. مکاشفات عارفان نیز به برزخ اول تعلق می‌گیرد؛ نه به برزخ دوم. و لذا خواجه عبدالله می‌گوید: «مردم از روز آخر می‌ترسند و من از روز اول». اما احتمال آن که مراد از «جابلقا» عالم اعیان ثابته و محل صور مرتسمه در ذات و مجمع البحرین وجوب و امکان باشد و جابلسا به معنای حضرت کون جامع (انسان) باشد، بسیار بعید است و با احکامی که درباره‌ی این دو شهر گفته شده، سازگاری ندارد.

### دیدگاه شیخیه درباره‌ی حیات حضرت مهدی

اکنون که مراد و مقصود از «عالم هورقلیا» روشن گردید، به نقل و بررسی دیدگاه شیخیه در مورد کیفیت حیات و بقای حضرت مهدی علیه‌السلام می‌پردازیم: شیخ احمد احسائی، امام زمان علیه‌السلام را زنده و در عالم هورقلیا می‌داند. وی می‌گوید: «هورقلیا ملک آخر است که دارای دو شهر جابرسا - که در مغرب قرار دارد - و جابلقا - که در مشرق واقع است - می‌باشد. پس حضرت قائم علیه‌السلام در دنیا در عالم مثال نیست؛ اما تصرفش به گونه‌ای است که به صورت هیکل عنصری می‌باشد و با مثالش در مثال، و با جسدش در اجساد، و با جسمش در اجسام، و با نفس خود در نفوس، و با روحش در ارواح است» [۱۷]. امام زمان علیه‌السلام، هنگام غیبت در عالم هورقلیا است و هر گاه بخواهد به «اقالیم سبعة» تشریف بیاورد، صورتی از صورت‌های اهل این اقالیم را می‌پوشد و کسی او را نمی‌شناسد. جسم و زمان و مکان ایشان لطیف‌تر از عالم اجسام بوده و از عالم مثال است [۱۸]. او در جواب ملا- محمد حسین اناری - که از لفظ هورقلیا سؤال کرده بود - گفت: «هورقلیا به معنای ملک دیگر است که حد وسط بین عالم



دنیا و ملکوت بوده و در اقلیم هشتم قرار دارد. و دارای افلاک و کواکبی مخصوص به خود است که به آنها جابلقا و جابرصا می‌گویند» [۱۹]. سید کاظم رشتی، مهم‌ترین شاگرد شیخ احمد نیز گفته است: «جابلقا و جابرصا در سفر اول - که سفر از خلق به حق است - قرار دارد. این سفر (بلکه این شهر)، دارای محله‌های متعددی است که محله‌ی نوزدهم آن «حظیره القدس» و محل پرندگان سبز و صور مثالیه است. جابلقا و جابرصا دو محله از این شهر می‌باشند که هر کدام از آنها دارای هفتاد هزار درب است و در کنار هر دری هفتاد هزار امت وجود دارد که به هفتاد هزار زبان با یکدیگر صحبت می‌کنند و هر زبانی با زبان دیگر هیچ مشابهتی ندارد» [۲۰]. شیخیه معتقدند ما باید بین جسم و جسد فرق بگذاریم؛ اما جسم بر چهار قسم است: ۱. جسم عنصری معروف؛ ۲. جسم فلکی افلاک؛ ۳. جسم برزخی که ماده ندارد؛ اما طول و عرض و عمق دارد. این جسم، جسم مثالی و هورقلیایی است که حضرت مهدی علیه‌السلام به نظر آنان با این جسم زندگی می‌کند؛ ۴. جسم مجرد مفارق. در عبارت بالا اشکال واضحی وجود دارد و آن این که مجرد مفارق، جسم ندارد و جمع کردن بین «جسم مجرد مفارق» اجتماع نقیضین است، و این همان اندیشه نادرستی است که برخی از اخباریان و محدثان شیعه نیز تمام ماسوی الله را مادی می‌دانند. برای رهایی از این اشکال، «حاج محمد کریم خان کرمانی»، به اصلاح عقیده خود دست زده و با حذف قسم چهارم گفته است: «نزد ما جسم و جسد بر سه قسم است: ۱. جسد اول که جسد دنیایی است و از عناصر مادون فلک قمری تشکیل شده است؛ ۲. جسد دوم که مرکب از عناصر هورقلیایی است و در اقلیم هشتم قرار دارد و به صورت مستدیر در قبر باقی می‌ماند؛ ۳. جسد سوم که مرکب از عناصر اخروی است و عناصر آن در غیب عناصر جسد دوم است؛ ۴. جسم اول که روح بخاری است و مثل افلاک لطیف است؛ ۵. جسم دوم که روح حیوانی است و از عالم افلاک و هورقلیایی است؛ ۶. جسم سوم که روح حیوانی فلکی اخروی است» [۲۱]. و در جای دیگر گفته است: «هر انسانی دارای دو جسد و دو جسم است: جسد اول از عناصر اربعه تشکیل شده و سایر موجودات مادی نیز آن را دارند. این عناصر مادی، مانند لباس برای انسان است که می‌توان آن را از تن درآورد. این جسد چون لذت، درد، طاعت و معصیت ندارد، پس از مرگ متلاشی شده و در قبر باقی می‌ماند. جسد دوم در غیب اول و از عالم هورقلیایی است که به صورت «طینت مستدیره» در قبر باقی می‌ماند که جسد دوم است و از اعراض پاک می‌گردد و در قیامت روح به این جسد برمی‌گردد؛ نه به جسد اول. جسد اخروی فساد و خراب شدن ندارد، بر خلاف جسد دنیوی. مرگ مربوط به این بدن است نه آن بدن. جسم اول صورت برزخی است که بر نمی‌گردد و مانند چرک لباس است که جسم اول، وقتی به این دنیا نزول پیدا می‌کند، متحد با این بدن می‌شود. جسم دوم یا جسم اصلی حامل نفس است و در واقع جسم اول عرض بر جسم دوم است. و آنچه در قیامت می‌آید، جسد دوم و جسم دوم است» [۲۲].

### نقد و بررسی

یکم. با توجه به آنچه گذشت، روشن می‌شود که شیخ احمد، اصطلاحاتی را از فلسفه اشراق گرفته و بدون آن که به عمق آنها پی ببرد، آنها را به عنوان مشخصه‌های اصلی آیین و مذهب خود قرار داده است. پیروان مکتب او نیز در توجیه این کلمات، به تناقض گویی مبتلا شده‌اند. این تهافت گویی در کلمات شیخ احمد و رمز و تأویل و باطن‌گرایی در آنان، باعث شد که فرزندان او به نام‌های محمد و علی - که از عالمان و فرهیختگان بودند - به انکار روش پدر و بلکه گاهی استغفار بر او و گاهی به تکفیر او مشغول شوند [۲۳]. دوم. تحلیل این بدن هورقلیایی و اعتقاد به حیات امام زمان علیه‌السلام با بدن هورقلیایی، در واقع به معنای انکار حیات مادی امام زمان علیه‌السلام روی این زمین است؛ زیرا اگر مراد آن است که حضرت مهدی علیه‌السلام در عالم مثال و برزخ - چه برزخ اول یا برزخ دوم - زندگی می‌کند. آن چنان که قبر را آنان از عالم هورقلیا می‌دانند - پس آن حضرت حیات با بدن عنصری ندارد و حیات او مثل حیات مردگان، در عالم برزخ است و این با احادیثی که می‌گویند: «لولا الحجة لساخت الارض

باهلها» و یا حدیث «لو لم یبق من عمر الدنيا...»، هیچ سازگاری ندارد. و بلکه دلیل عقلی می‌گوید باید غایت و هدف خداوند از آفرینش انسان زمینی همیشه روی زمین وجود داشته باشد. علاوه بر آن که اعتقاد به این گونه حیات برای امام زمان علیه‌السلام، مثل اعتقاد به حیات تمام مردگان در عالم برزخ است و این عقیده، با عقیده به نفی حیات مادی هیچ منافاتی ندارد. سوم. وقتی شیخ احمد، عالم هورقلیا را حد وسط بین دنیا و ملکوت معرفی می‌کند، معلوم می‌شود که هنوز ایشان معنای عالم ملکوت را - که همان عالم مثال است - نفهمیده و یا بین ملکوت و جبروت خلط نموده است. و باید از آنان پرسید: آیا بین عالم مادی و عالم مثال نیز برزخی وجود دارد؟! چهارم. این سخن که حضرت مهدی علیه‌السلام با بدن هورقلیایی زندگی می‌کند، صرفاً یک ادعای بدون دلیل است و هیچ دلیل عقلی یا نقلی بر آن اقامه نشده است. پنجم. شیخ احمد وقتی به شرح زیارت جامعه کبیره پرداخته است، چون نتوانسته جمله‌ی «ارواحکم فی الارواح و اجسادکم فی الاجساد...» را به درستی تحلیل کند، دچار این اشتباهات فاحش گردیده است. ششم. شیخ احمد احساسی، چون به معنای لذت و الم - که هر دو نوعی از ادراک هستند - توجه نکرده است و تنها لذت و الم را مادی پنداشته، خواسته است برای آخرت نیز عذاب و نعمت مادی فرض کند؛ از این رو گرفتار بدن هورقلیایی شده تا بتواند مشکل آخرت را حل کند. در حالی که اولاً لذت و الم عقلانی، فوق حسی است و ثانیاً لذت و الم عقلانی اخروی را باید با دلیل عقلی و لذت، و الم حسی را با دلیل نقلی اثبات نمود؛ نه با این ادعاهای واهی و بی‌دلیل. هفتم. شیخ احمد، بر اساس یک اصول نادرستی که در فلسفه پی‌ریزی کرد (مثل اصالت وجود و ماهیت)، و نفهمیدن برخی دیگر از اصول (مثل معنای تجرد، غیب مطلق، مضاف و شهادت مطلق و مضاف و کیفیت تکامل برزخی) یک بنیان فکری را پی‌ریزی کرده است و چون قابل دفاع نیست، پیروان او همیشه با این حربه که سخنان او رمز و کنایه است، و می‌خواهند خود را رهایی بخشند. هشتم. در قرن سیزدهم، گزاف‌گویی و به کار بردن واژه‌های نامأنوس و الفاظ مهمل، بسیار رایج بوده و حتی عوام مردم اینها را نشانه‌ی علم و دانش می‌پنداشتند و بعید نیست شیخ احمد و نیز سید کاظم رشتی، به جهت خوشایند جاهلان و عوام، به این واژه‌ها و کلمات روی آورده باشند. نهم. نتیجه‌ی سخنان شیخ احمد، پیدایش مذاهب ضالیه بابت و بهائیت و سرانجام بی‌دینی به اسم آیین پاک به وسیله کسروی بود و این میدان عمل و نتایج اسفبار سخنان شیخیه، خود محک و ملاک خوبی بر ضعف و سستی این سخنان است.

## پاورقی

- [۱] دلیل‌المتحیرین، ص ۲۲؛ فهرست، ج ۱، ص ۱۴۱؛ اعیان‌الشیعه، ج ۲، ص ۵۹۰.
- [۲] روضات الجنات، ج ۱، ص ۹۱.
- [۳] «ارشاد العوام» ج ۲، ص ۱۵۱.
- [۴] «منتهی‌الارب» ج ۱، ص ۱۵۶.
- [۵] «برهان قاطع» ج ۴، ص ۲۳۹۱.
- [۶] «برهان قاطع» ج ۲، ص ۵۵۱.
- [۷] جوامع‌الکلم قسمت سیم، رساله‌ی ۹، ص ۱.
- [۸] فرهنگ فرق اسلامی، ص ۲۶۶.
- [۹] تاریخ فلسفه‌ی اسلامی، ص ۱۰۵.]
- [۱۰] مجموعه‌ی مصنفات شیخ اشراق، ج ۲، ص ۲۵۴؛ ترجمه‌ی حکمه‌الاشراق، دکتر سجادی، ص ۳۸۳.
- [۱۱] مجموعه‌ی مصنفات شیخ اشراق، ج ۱، ص ۴۹۴، انواریه، ص ۲۲۲.
- [۱۲] شرح حکمه‌الاشراق، ص ۵۷۴.

- [۱۳] انواریه، ص ۲۴۴.
- [۱۴] شرح حکمة الاشراق، ص ۵۵۶ و ص ۵۱۷؛ شبیه این کلام در « انواریه » ص ۱۹۴ آمده است.
- [۱۵] مفاتیح الاعجاز، ص ۱۳۴.
- [۱۶] برخی از شیخیه نیز گفته‌اند: زمین محشر زمین هورقلیایی است. ر.ک: ارشاد العوام، ج ۲، ص ۱۵۱.
- [۱۷] « جوامع الکلم » رساله‌ی دمشقیه، قسمت ۲، ص ۱۰۳.
- [۱۸] « جوامع الکلم » رساله‌ی رشتیه، قسمت ۳، ص ۱۰۰.
- [۱۹] « جوامع الکلم » رساله به ملا محمد حسین، رساله ۹، ص ۱؛ « شرح عرشیه »، ج ۲، ص ۶۲.
- [۲۰] « شرح قصیده » ص ۵.
- [۲۱] « مجموعه‌ی الرسائل » ج ۶، ص ۲۱۳.
- [۲۲] مجمع الرسائل، فارسی، ج ۲، ص ۱۸۹.
- [۲۳] روضات الجنات، ج ۱، ص ۹۲؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۵۰۲.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی  
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه  
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...  
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۳۱-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،

خضم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

